



انترناسیونال

۲۷۷

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-Communist Party of Iran

جمعه ۱۳ دی ۱۳۸۷، ۲ ژانویه ۲۰۰۹

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سرمدیبر: محسن ابراهیمی

هدفمند کردن یارانه ها،

لغو افزایش دستمزدها و عواقب اجتماعی آن



شهلا دانشفر

روز سه شنبه ۱۰ دی کلیت لایحه دولت محمود احمدی نژاد، لایحه "هدفمند کردن یارانه ها" با قید يك فوریت به تصویب مجلس اسلامی رژیم رسید. شاه کلید این لایحه حذف افزایش حداقل دستمزدها به عنوان منبعی برای تامین مالی طرح

روز سه شنبه ۱۰ دی کلیت لایحه دولت محمود احمدی نژاد، لایحه "هدفمند کردن یارانه ها" با قید يك فوریت به تصویب مجلس اسلامی رژیم رسید. شاه کلید این لایحه حذف افزایش حداقل دستمزدها به عنوان منبعی برای تامین مالی طرح

صفحه ۳

آیا مردم فلسطین

روی آرامش خواهند دید؟



کازم نیکخواه

حملات موشکی و هوایی سنگین و پی در پی ارتش اسرائیل به نوار غزه که از ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ شروع شده، در چهل سال گذشته بی سابقه توصیف شده است. اکنون يك هفته از این تهاجم ارتش اسرائیل به نوار غزه میگذرد و شمار تلفات فلسطینیان به حدود ۴۰۰ نفر کشته و شمار بسیار بیشتری زخمی برآورد میشود. تمام پایگاهها و مراکز متعلق به سازمان

صفحه ۲

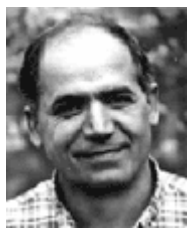
اسلامی حماس مورد بمباران و موشک باران قرار گرفته است. بیشتر کشته شدگان افراد وابسته به شاخه

در حاشیه اظهارات سران رژیم

در مورد جنایت اسرائیل

سران جمهوری اسلامی و دولت اسرائیل

متهمین ردیف اول جنایتند



اصغر کریمی

قاضی مرتضوی خواهان "تعقیب و محاکمه آمران و عاملان" جنایت اسرائیل علیه مردم فلسطین شده است.

جنایات اخیر اسرائیل علیه مردم فلسطین، فرصتی به سران جمهوری اسلامی داد تا بار دیگر برای مردم فلسطین نوحه سرانی کنند و اشک تمساح بریزند. خامنه ای فتوای اسلامی صادر کرده و از رژیم غاصب و محارب و کافر "اسرائیل و کفار حربی" صحبت میکند و

شکی در این نیست که اگر ذره ای عدالت بر جهان حاکم بود، سران جنایتکار دولت اسرائیل باید به جرم سالها ستم و جنایت علیه مردم

صفحه ۴



ارتش

ابزار سرکوب طبقاتی



محسن ابراهیمی

واقعی ارتش خویش را بیوشاند و آن را ارگانی عمومی و عام المنفعه قلمداد نماید، رابطه تنگاتنگ ارتش ها با طبقات حاکمه و نقش آنها در حراست از منافع اربابان جامعه برای توده وسیع مردم، نه فقط در کشورهای آسیایی و آفریقایی و

برنامه "یک دنیای بهتر"، برنامه حزب کمونیست کارگری بندی دارد تحت عنوان "انحلال ارتش. پاراگراف اول این بند با این جملات خاتمه مییابد: "علیرغم اینکه طبقه حاکم میکوشد تحت عناوین مختلف ماهیت طبقاتی و مصرف

آمریکای لاتینی که نقش سرکوبگر ارتش و پلیس در آنها برجسته تر و

صفحه ۵

نامه ای از فرزاد کمانگر آقای اژه ای، بگذار قلبم بتپد

صفحه ۱۰

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ **آیا مردم فلسطین ...**

نظامی حماس هستند اما تعداد مردم بیگناهی که در این حملات به قتل رسیده اند نیز بسیار بالاست. گزارشها از جریان يك فاجعه انسانی سخن میگویند. کشتار کودکان و زنان و مردان فلسطینی تراژدی تلخ سرنوشت مردم فلسطین را جلوی چشم میگذارند. علاوه بر تلفات سنگینی که بر اثر بمبارانها و حملات هوایی به مردم وارد میشود، تلفات محاصره اقتصادی غزه توسط دولت اسرائیل نیز کم نیست. ساکنین غزه در محاصره کامل اقتصادی قرار دارند و از غذا و دارو و برق و امکانات اولیه زندگی محرومند. بیمارستانها برای مداوای زخمی ها ذخایر دارویی شان به اتمام رسیده و يك فاجعه انسانی هم اکنون در غزه در جریان است.

عوامل بلاواسطه جنگ در غزه

تهاجم نظامی اسرائیل به غزه پس از شش ماه آتش بس میان اسرائیل و حماس با میانجیگری دولت مصر صورت میگیرد. از ۱۹ ماه ژوئن سال ۲۰۰۸ هیئتهای مصری با مذاکره با مقامات اسرائیلی و سازمان حماس موفق شدند يك توافق آتش بس شش ماهه را به امضای طرفین برسانند. اما این توافق نامه مورد انتقاداتی از جانب برخی گروههای تندروتر فلسطینی قرار داشت و حماس از این نظر زیر فشار انتقاد گروههای اسلامی فلسطینی نظیر جهاد اسلامی قرار داشت. پیش از پایان این آتش بس حماس بارها اعلام کرد که آتش بس را تمدید نخواهد کرد. بهانه حماس محاصره اقتصادی غزه توسط اسرائیل بود. بلافاصله پس از پایان مهلت آتش بس در ۱۹ دسامبر (۲۹ آذر) حماس حملات موشکی به خاک اسرائیل را شروع کرد. در جریان این آتش باری ها يك نفر به قتل رسید و شماری زخمی شدند. اسرائیل این حملات را بهانه قرار داد و به حماس اولتیماتوم داد که حملات را متوقف کند. اما همزمان به اعمال محاصره و فشارهای مختلف به ساکنین غزه ادامه داد. حماس نیز توقف کامل فشار اقتصادی به غزه را شرط توقف حملات موشکی قرار داد. به این ترتیب هر دو طرف بهانه کافی برای ادامه این کشاکش و حملات را در دست داشتند. تهاجم ارتش اسرائیل به غزه در شرایطی آغاز شد که

حماس و جهاد و گروههای اسلامی دیگر آشکارا از بیایی شان این بود که اسرائیل امکان حمله گسترده نظامی به غزه را ندارد و این را علنا ابراز کرده بودند. استدلال اینها از جمله این بود که دولت اسرائیل به رهبری اهود اولمرت در آستانه انتخابات قرار داد و به دلیل اختلافات در میان احزاب حاکم اسرائیلی این دولت بسیار ضعیف شده است. بعلاوه شکست ارتش اسرائیل در حمله دو سال پیش به حزب الله در لبنان، امکان ریسک کردن و دست زدن به حمله گستره ای را به ارتش و دولت اسرائیل نمیدهد. به این دلایل حماس خود به اولتیماتومهای دولت اسرائیل تنها با شانه بالا انداختن پاسخ داد و به حملات موشکی خود به خاک اسرائیل ادامه داد. در واقع همه چیز گویای اینست که تهاجم گسترده اسرائیل به غزه و ضربات سنگین به پایگاههای پلیس و مقرهای نظامی و اداری حماس برای خود این سازمان و حامیانش کاملا غیر منتظره بود و لطمات سنگینی را به این سازمان وارد آورد که جبران و بازسازی آن به سادگی برای این سازمان مقدور نیست.

از سوی دیگر دولت اهود اولمرت با شکستهای پی در پی داخلش زیر فشار جناحهای رقیب از جمله حزب دست راستی لیکود و رهبر آن بنیامین نتانیاهو قرار داشت. نتانیاهو این دولت را بارها ناتوان و سازشکار معرفی کرده و اعلام کرده بود که اگر در انتخابات روی کار آید، حماس را نابود خواهد کرد، شهرکهای جدید یهودی نشین را در نواحی اشغالی احداث خواهد نمود، و امنیت مردم اسرائیل را در برابر حملات فلسطینیان بالا خواهد برد. اولمرت در رقابتهای درون حزبی نیز بشدت در زیر فشار قرار داشت و این وضعیت شکست حزب او حزب "کادیم" در انتخابات آتی را قطعی میساخت. حزب کادیم هم از جانب حزب کارگر اسرائیل و هم از جانب حزب لیکود زیر فشار سنگینی قرار داشت و در پایین ترین حد محبوبیتش قرار داشت.

علاوه بر این شرایط دیپلماتیک داخلی، دولت اسرائیل و حزب اولمرت، میدانند که بزودی یعنی در ۲۰ ژانویه باراک اوباما رئیس جمهور جدید آمریکا رسماً وارد کاخ سفید خواهد شد و زمام امور را بدست

خواهد گرفت. یکی از وعده های پرسروصدای اوباما این است که جنگ و بحران خاورمیانه را پایان خواهد داد. اینکه رئیس جمهور جدید آمریکا و دولت او با وعده هایش چه خواهد کرد و چقدر این وعده ها جدی است بحث ما در اینجا نیست. اما احزاب دست راستی اسرائیل با محاسبه اینکه بزودی روند تازه مذاکرات در مورد مساله اسرائیل و فلسطین آغاز خواهد شد، تلاششان اینست که اسرائیل در این مذاکرات دست بالایی داشته باشد و رقبای فلسطینی خود را در موقعیت تضعیف شده ای قرار دهند. به همین دلیل نیز در حمله به غزه حتی مخالفین سرسخت اولمرت از تهاجم او به غزه پشتیبانی کردند.

از سوی دیگر سازمان حماس نیز دلایل کوتاه مدت خویش را برای از سر گیری جنگ و فضای نظامی در فلسطین داشت. حماس که در حال جنگ و رقابت با سازمان الفتح و دولت خودگردان فلسطینی به رهبری محمود عباس بسر میبرد، پایان دوره ریاست محمود عباس در ۹ ژانویه ۲۰۰۹ (۲۰ دی ۱۳۸۷) بر تشکیلات خود گردان را فرصت مناسبی برای ایفای نقش محوری تر در صحنه سیاسی فلسطین میدانند. این سازمان اعلام کرده است که از بعد از ۹ ژانویه ریاست محمود عباس دیگر قانونیت ندارد و باید انتخابات جدیدی برگزار شود. غلبه فضای جنگی و تخصص با اسرائیل فضای مناسب تری را برای حماس که منادی خشونت و جنگ و نابودی اسرائیل بوده است، ایجاد میکند و سازمان الفتح و جناح محمود عباس از نظر آنها در چنین شرایطی در يك برزخ دفاعی و ضعیف شده قرار خواهند گرفت.

میتوان فاکتورها و عوامل متعدد دیگری را نیز در این رابطه بر شمرده که در شعله ور شدن جنگ در غزه تاثیرات فوری و بلاواسطه داشته اند.

بحران لاینحل؟

اما روشن است که هیچکدام از این عوامل مقطعی توضیح دهنده تداوم بحران و جنگ و کشتار چندین دهه ساله در فلسطین و خاورمیانه نیستند. فلسطین کانون تلاقی مصالح نیروهای بسیار متنوع بین المللی است و هر کدام از این نیروها توسط جریانات محلی نمایندگی میشوند. در راس این نیروها باید از دو قطب تروریستی نام برد: یکی

سیاست بورژوازی حاکم آمریکا و دیگری اسلام سیاسی. دولت آمریکا نقش اساسی و تعیین کننده ای در تمام دهه های اخیر در تداوم بحران و مساله فلسطین داشته است. طبقه حاکمه آمریکا طی سالهای اخیر توسط تنوکسرواتیستها مساله فلسطین را به تابعی از استراتژی "نظم نوین جهانی" تبدیل نمود. در این استراتژی قرار بود سیاست "خاورمیانه بزرگ" به اجرا گذاشته شود که کل خاورمیانه را در حوزه نفوذ آمریکا قرار میداد. طرحی که با بندهای متعددی در مورد صنعتی کردن و دموکراتیک کردن خاورمیانه شروع میشد اما در لابلای سطور آن، کشاندن کل کشورهای خاورمیانه به زیر سیطره حکومت آمریکا به هر وسیله ای موج میزد. طرحی که گام اول آن تهاجم نظامی به عراق و نقشه تهاجم نظامی به ایران بود. در این طرح "حل مساله فلسطین" نیز جای برجسته ای داشت. بهر رو با شکست تنوکسرواتیستها میتوان گفت که این استراتژی مشخص به بایگانی سپرده شده است اما طبقه حاکم ایالات متحده منافع پایه ای تری در مساله فلسطین دارد و بازیکن اصلی بحران فلسطین و اسرائیل است. اسلام سیاسی که با روی کار آمدن جمهوری اسلامی در ایران به جلوی صحنه سیاسی در فلسطین رانده شد، یکی دیگر از نیروهای اصلی بحران و جنگ در خاورمیانه و فلسطین است. نیروهای تروریست اسلامی نظیر حماس و جهاد و حزب الله و برخی گروههای کمتر شناخته شده، در واقع بازوهای جریان اسلامی سیاسی در منطقه خاورمیانه و فلسطین هستند و اساسا بر محور سیاستهای اسلام سیاسی و در راس آنها جمهوری اسلامی به ایفای نقش در فلسطین می پردازند. در کنار اینها باید به یکی از بازیکنان قدیمی تر فلسطین اشاره کرد و آن ناسیونالیسم عرب است که بعد از جنگ ۱۹۶۷ و پس از آن جنگ ۱۹۷۳ بشدت تضعیف شد و با سقوط شوروی و بلوک شرق که بیشتر این جریان را باد میزد تا حدی عقب رانده شد اما به دلیل وجود دولتهای متعدد عربی و مصالح فوری آنها در فلسطین، و وابستگی های مالی عمیق جریانات فلسطینی به این دولتها، همچنان ناسیونالیسم عرب و شاید به بیان دقیق تر باید گفت دولتهای عربی مختلف از بازیکنان مهم صحنه سیاسی فلسطین هستند.

در کنار این نیروها باید از نقش

دولتهای مختلف اروپایی و روسیه نیز در فلسطین نام برد که بسته به شرایط مختلف فضای بازتر یا محدودتری در ایفای نقش در فلسطین پیدا میکنند.

اینها از جمله عوامل مختلف و شناخته شده دخیل در بحران فلسطین هستند. و بررسی نحوه ارتباط و جایگاه این نیروها و چگونگی ایفای نقش آنها نیاز به بحث بسیار طولانی تری دارد. آنچه با اشاره شماتیک به اینها اینجا میخواهم نتیجه بگیرم اینست که مساله فلسطین در وهله اول با توجه به نیروهای بسیار متعددی که در آن نقش ایفا میکنند، و مصالح و منافع بسیار پیچیده و بسیار ضد انسانی ای که دنبال میکنند، بنظر لاینحل میرسد. شصت سال کشاکش و جنگ و کشتار در این منطقه نیز این تلقی را ایجاد کرده است که "بحران فلسطین" تا آینده ای غیر قابل پیش بینی حضور و تداوم خواهد داشت و هربار با اوجگیری تازه ای حضور و ادامه خونین خود را به همه مردم جهان یادآور میشود.

شناسی برای صلح

اما واقیعت آنقدر که تصویر میشود سیاه و نا امید کننده نیست. در دوسوی این کشاکش مردم اسرائیل و فلسطینیان قرار دارند که قربانی هرروزه این جنگ خونین دهها ساله هستند. جنگ و فضای جنگی و نفرت قومی و مذهبی، این مردم و بویژه مردم محروم فلسطین را از ابتدایی ترین شرایط زندگی انسانی محروم کرده است. هرچه زمان بیشتر میگذرد صدای صلح خواهی و پایان جنگ و خونریزی، و مقاومت در برابر نفرت پراکنی قومی و مذهبی از دوسوی این کشاکش بیشتر بگوش میرسد. هم اکنون به جرات میتوان گفت که اکثریت مردم فلسطین و اسرائیل خواهان پایان این جنگ و کشتار هستند. بعلاوه در سطح جهان صدها میلیون نفر مردم جهان هرروز به انحاء مختلف نفرت خود را از تداوم جنگ و سرکوب و کشتار مردم فلسطین ابراز میکنند. اگر امید به پایان این کشتارها وجود داشته باشد از اینجا بر میخیزد. یعنی يك جبهه انسانی علیه دو قطب تروریستی. این مردم در صورتیکه بتوانند نیروی خود را متشکل کنند و صدای خود را از طریق تشکلهای رادیکال و جدی انسان دوست و پیشرو و سکولار به گوش جهان برسانند، این شانس را

از صفحه ۱ هدفمند کردن یارانه ها

جامعه و افسار گسیختگی بیباید و شرط سرمایه دارهاست.

اساس این لایحه طرح ریاضت اقتصادی حکومت آیت الله های میلیاردر برای تضمین سودهای نجومی و سرمایه های میلیاردری شان است. اگر در ابتدا این حضرات تلاش کردند طرح خود را تحت پوشش بهبود وضع مردم و بالا بردن رفاه جامعه به مردم بقبولانند، امروز دارند با وقاحت تمام اهداف جنایتکارانه خود را از اجرای این طرح اعلام میکنند. از جمله دو هفته قبل بود که طرح قانونی اخراج کارگران به تصویب دولت رسید و روز ۱۰ دی لایحه هدفمند کردن یارانه ها که همانا حذف یارانه ها و حذف افزایش دستمزدها است، به تصویب مجلس اسلامی رسید.

اینها همه طرحهای دیکته شده صندوق جهانی پول در سطح جهانی است و اساس آن سلب مسئولیت کامل دولت از پاسخگویی به نیازهای مردم و قطع کردن خدمات عمومی و قطع کامل یارانه ها و بخشودگی سوسیدها و غیره است. اما همه میدانیم که این طرحها و لوایح به یک معنی در ایران تازگی ندارند و سالهاست دارند اجرا میشوند. بیکارسازی های وسیعی که تا کنون صورت گرفته است، انقراض قراردادهای موقت کار با کارگران که به گفته خودشان ۸۰ درصد از استخدام ها را در بر میگيرد، نپرداختن ماهها دستمزد به کارگر و دستمزد ۲۱۹ هزار تومان، آنهم در شرایطی که قیمت ها هر روز افزایش می یابد و سرکوب هرگونه تلاشی برای متشکل شدن از سوی کارگران و تهدید و فشار دائمی بر روی رهبران و فعالین کارگری همه و همه در راستای اجرای سیاست صندوق بین المللی پول بوده است. بنابراین تصویب لایحه هدفمند کردن یارانه ها و حذف افزایش حداقل دستمزدها، سیاستی در ادامه سیاست ریاضت کشی اقتصادی جمهوری اسلامی است که نتیجه عملی آن افزایش سرسام آور قیمت ها و محرومیت و بیحقوقی و خانه خرابی بیشتر مردم از یکسو و عاید

شدن سود های سرسام آور و کلان برای صاحبان سرمایه است.

اما واقعیت اینست که رژیم اسلامی با تصویب لایحه "هدفمند کردن یارانه ها" باری دیگر جام زهر را نوشید. این را خودشان نیز میدانند و هراس از عواقب اجتماعی اجرای این طرح يك موضوع داغ دعوای حاد داخلی خود رژیم در همین چند ماهه اخیر بوده است. در کشاکش همین هراس ها ست که لاریجانی رییس مجلس شورای اسلامی، در آبانماه در خصوص اجرای این طرح میگوید: "اگرچه ممکن است به هر فرد ماهانه پنجاه تا هفتاد هزار تومان به عنوان یارانه مستقیم ا پرداخت شود، اما هزینه هر فرد ممکن است تا چهارصد هزار تومان افزایش یابد." او همچنین صراحتاً از جهش و افزایش شدید قیمت ها و تورم صحبت میکند.

اما امروز جمهوری اسلامی به سیم آخر زده است. راهی در مقابلش باقی نمانده است. هدفش از تصویب لایحه ای مانند لایحه هدفمند کردن یارانه ها، از یکطرف نشان دادن چراغ سبز بیشتری به صندوق بین المللی پول و خوش رقصی برای آنست و از سوی دیگر تلاشی برای تمديد روزهای بیشتری از عمر و بقای خود است. اما نکته اصلی اینجاست که بحران اقتصادی جمهوری اسلامی راه حل اقتصادی ندارد. بحران اقتصادی جمهوری اسلامی همانطور که همیشه تاکید کرده ایم، اساساً بحرانی سیاسی است. ریشه در کل موجودیت آن دارد و امروز که صفوف رژیم بیش از هر وقت در هم ریخته است، امروز که ما با يك جنبش رادیکال، چپ و وسیع در جامعه روبرو هستیم. امروز که جنبش کارگری يك وزنه مهم در اوضاع سیاسی ایران است، اجرای این طرح همان سرنوشتی را پیدا خواهد کرد که طرح مانور ناجا و غیره داشت و مضحکه ای بیش نخواهد بود. خود سران رژیم نیز از همان ابتدا که بحث طرح تحول اقتصادی، تحت عنوان هوشمندانه کردن یارانه ها عنوان شد، صراحتاً از عواقب اجتماعی آن و خطر بحرانهای

اجتماعی سخن گفتند و همان موقع احمدی نژاد در پاسخ به جبهه مقابل خود گفت عواقب اجتماعی اش با من بدین ترتیب در واقع قشون کشی ناجا و هفته بسیج و غیره نیز زمینه چینی تصویب این لایحه در مجلس بود. اما دیدیم که همه طرحهایشان مضحکه ای بیش نبود و دانشجویان در شانزده آذر با شعار فاشست برو گمشو، سید علی پینوشه ایران شیلی همیشه، جوابشان را دادند.

طبعاً در شرایطی که در جامعه فقر بیداد میکنند. گرانی بیداد میکنند و سالهاست که ریاضت اقتصادی بر جامعه حاکم است، شدت دادن به این ریاضت و فقر بر جامعه جز از راه سرکوب خونین کارگران و توده مردم شدنی نیست. اما بطور واقعی بساط سرکوب و اعدام و زندان و شکنجه جمهوری اسلامی همیشه برپا بوده است و علیرغم همه اینها امروز می بینیم که جمهوری اسلامی نتوانسته است مردم را مرعوب کند. از جمله در همین دور اخیر نیز ما شاهد تلاش دیگری از سوی جمهوری اسلامی برای عقب زدن بیشتر اعتراضات مردم بودیم، اما درست هنگامیکه رژیم نیروهایش را به خیابان کشیده و مانور نظامی به راه انداخته بود تا بقول خودشان چالش های اجتماعی را عقب بزنند، چه گذشت. درست در همان روز بود که کارگران کیان تایر در مقابل دفتر احمدی نژاد تجمع داشتند و شعار دادند ما هفت ماه دستمزد نگرفته ایم، شما چطور آقای وزیر و در شانزده آذر نیز شاهد این بودیم که دانشجویان بیرون آمدند و شعار دادند، سید علی پینوشه ایران شیلی نمیشود! و در واقع این پیام اصلی شانزده آذر امسال و مردم ایران در مقابل رژیم جمهوری اسلامی و تمام طرحهای اقتصادی و سرکوبش بود.

همه این اتفاقات عملاً حکایت از این دارد که رژیم دیگر توان سرکوب اعتراضات جامعه را ندارد. لایحه اقتصادی و مانور ناجا و غیره هم گشایشی برای خلاصی رژیم از بحران عمیقی که در آن دست و پا میزند نخواهد بود. این رژیم رفتنی است و مردم سالهاست که حکم به رفتن آن داده اند.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی بعنوان ستون فقرات تروریسم اسلامی در منطقه و جهان مرکز تنش های بسیار است و کشمکشهای آن بر سر بحران هسته ای و وضعیت منطقه ریشه های عمیقی دارد و با این خوش رقصی ها و بسادگی جمهوری اسلامی مکانی نزد صندوق جهانی پول پیدا نخواهد کرد.

بنابراین تصویب لایحه هدفمند کردن یارانه ها و حذف افزایش دستمزدها، امروز از سوی مجلس اسلامی آنهم با قید يك فوریت، نه از سر قدرت رژیم و گشایشی برای سرو سامان دادن به اقتصاد بحران زده اش، بلکه از روی استیصال آنست. از جمله همانطور که اشاره کردم بحث های همین دوره درون رژیم نیز بیش از هر وقت به هم ریختگی صفوف آنرا به نمایش گذاشت. دزدی های هم را رو کردند. طرح ناجا و هفته بسیج و غیره به راه انداختند. آشکارا به خطر بحران اجتماعی و چالش های هجده تیرها و غیره اشاره کردند و در شانزده آذر نیز دیدیم که چگونه دانشجویان با شعار های مرگ بر دیکتاتور. سید علی پینوشه ایران شیلی نمیشه. خاتمی عشوهِ دیگر فایده ندارد، جوابشان را دادند.

در يك کلام میخواهم بگویم که نه طرح ناجا، گشایشی برای این رژیم است و نه طرح هدفمند کردن یارانه ها و طرحهای تحول اقتصادی و فرمایشاتی دیگر از این قماش، راهی برای نجات این رژیم خواهد بود. سالهاست که مردم حکم به رفتن این رژیم داده اند و در شانزده آذر امسال دانشجویان با شعارهایشان علیه رژیم، رساتر از هر وقت این حکم را اعلام داشتند. از جمله امروز در شرایطی که دولت دارد از حذف افزایش حداقل دستمزدها سخن میگوید، ما شاهد این هستیم که کارگران در سطحی گسترده و در قامت تشکلهایی که برپا کرده اند و با پشتیبانی مراکز بسیاری از کارخانجات با کمپین بر سرخواست افزایش دستمزدها جلو آمده اند و میگویند رفاه و يك زندگی انسانی حق مسلم ماست و در مقابل تعرضات رژیم صف آرای شده اند. اینها همه نشانگر استیصال

رژیم و خطیر بودن شرایط سیاسی امروز جامعه ایران است. باید این شرایط را دریافت و صفوف اعتراضی خود را فشرده تر کرد.

این ها همه فاکتورهای سیاست های اقتصادی جمهوری اسلامی و کاریکاتور بودن آنرا به روشنی نشان میدهد. اینها همه فاکتورهای سیاست که حاکی از شرایط حساس سیاسی امروز است. به همین اعتبار نیز تنها با تبیینی روشن از این شرایط است که میتوان تعرض رژیم به کارگران و کل جامعه را عقب راند و کلیت این رژیم را به زیر کشید. با تبیین روشن از این شرایط است که میتوان به روشنی دید که تنها راه خلاصی از شر این رژیم، يك مبارزه سیاسی و سراسری است. طبعاً برای پیشبرد چنین مبارزه ای باید حزب داشت و امروز این حزب وجود دارد. حزب کمونیست کارگری ایران که باید وسیعاً به این حزب پیوست و در آن متشکل شد. باید در زیر چتر این حزب و برنامه يك دنیای بهتر، مبارزات خود را در عرصه های مختلف و فشرده تر به پیش برد. از جمله هم اکنون که جبهه وسیعی از اعتراض بر سرخواست افزایش حداقل دستمزدها شکل گرفته است، تشکلهای مختلفی از کارگران از جمله اتحادیه آزاد کارگران ایران، سندیکای کارگران شرکت واحد و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و تعدادی از کارخانجات و جمع های کارگری پیشتاز حرکت برای خواست افزایش دستمزدها شده اند، باید وسیعاً به این اعتراض پیوست. همچنین هر کجا که کارگران دست به تجمعات اعتراضی میزنند، از جمله اعتراضات کارگران کیان تایر و صنایع فلزی و غیره، باید به تجمعات اعتراضی کارگران پیوست و با يك مبارزه متحد، سراسری و تعرضی در برابر تهاجمات رژیم ایستاد. نکته مهم اینست که جمهوری اسلامی امروز در اوج استیصال خود است، باید تعرضات آن را با مبارزه ای متحد و متشکل شدن در صفوف حزب کمونیست کارگری ایران به عقب راند.

اینها همه نشانگر استیصال رژیم و خطیر بودن شرایط سیاسی امروز جامعه ایران است. باید این شرایط را دریافت و صفوف اعتراضی خود را فشرده تر کرد. *

اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

کمپین جهانی برای لغو قانون چند همسری در کردستان عراق

۶: سمیر نوری مسئول تلویزیون سکولار
۷: کاروان نجمدین سکولاریست و سردبیر نشریه بسوی سوسیالیسم - کردستان عراق
۸: ربیبین فاروق سکولاریست فعال و عضو تحریریه نشریه بسوی سوسیالیسم - کردستان عراق
۹: عصام شکرکی مسئول سازمان دفاع از سکولاریزم و حقوق مدنی مردم عراق
۱۰: جلیل شهباز عضو سازمان دفاع از سکولاریزم و حقوق مدنی مردم عراق
۱۱: نور جباری فعال سازمان اکس مسلم در المان
۱۲: ستار چیمنتو فعال سازمان اکس مسلم در المان
۱۳: پتی دبنیستاس مسول برنامه تلویزیونی کمپ سوم به زبان انگلیسی - انگلستان
۱۴: سهیلا شریفی عضو شورای مرکزی "علیه تبعیض، سازمان دفاع از حقوق زن در ایران"
۱۵: طاریق فتاح نویسنده و سکولاریست در کانادا
۱۶: سیما بهاری مسول رادیو شکوفه ها - سوئد
۱۷: سارا محمد مسول تشکل پلا و فاطمه را هرگز فراموش نکنید - سوئید
۱۸: حکیم حسن فنجان رهبر شورای کارگران خدمات در بیمارستانهای شهر ناصریه در عراق برای اطلاعات بیشتر و امضای این کمپین با ما تماس بگیرید

اساس جنسیت.
۳: ممنوعیت بکارگیری قوانین اسلامی و دین در زندگی اجتماعی و در خانواده. جدائی کامل دین از دولت و آموزش و پرورش.
۴: تصویب يك آئیناتیبو سکولار در مقابل قانون چند همسری که مبتنی بر برابری کامل زن و مرد و بالاترین استانداردهای انسانی باشد، و ویژه موارد زیر را ممنوع کند:
الف: چند همسری
ب: خرید و فروش، تعیین شیر بها و هر نوع شرطی برای ازدواج.
ت: اعمال هر نوع ظلم و زور توسط هر فرد و نهادی بر زنان برای انتخاب شریک زندگی.
س: هرگونه قید و شرطی برای زنان در مورد جدائی و طلاق.
ما همه فعالان راه برابری زن و مرد، آزادیخواهان و سکولاریستها را فرا می خوانیم که چه فردی و چه بصورت جمعی در کردستان، عراق و سراسر دنیا برای امضای کمپین، پیشبرد آن، حمایت از کمپین و ترویج کردن آن دست بکار شوند.
امضاها:
۱: سرگول احمد فعال جنبش دفاع از حقوق زنان و مسول پیشبرد این کمپین
۲: خیال ابراهیم فعال جنبش زنان، گوینده برنامه عربی زبان تلویزیون سکولار و مسول سازمان رهای زن در عراق
۳: مریم جمیل فعال حقوق زنان و عضو رهبری سازمان رهای زن در عراق
۴: مینا احدی مسول سازمان اکس مسلم در المان و مسول کمیته جهانی علیه اعدام
۵: مریم نمازی مسئول سازمان اکس مسلم در انگلستان و سکولاریست شناخته شده جهانی

با وجود مخالفت و اعتراضات گسترده از طرف فعالین جنبش زنان و مردم آزادیخواه و سکولار، پارلمان کردستان بعد از چند نشست در ماههای اکتبر و نوامبر ۲۰۰۸ قانون چند همسری را تصویب کرد. این قانون آشکار و بی پرده بیحقوقی و اسارت زنان در جامعه را تثبیت میکند و حقوق ابتدائی زنان را زیر پا می گذارد و شرایط برده وار و تبعیض جنسی علیه زنان را در همه شئون زندگی برجسته می کند.
قانون مذکور به مردان حق می دهد که بیشتر از يك زن داشته باشند، و مردان را بعنوان ولی امر به زنان تحمیل میکند، انقیاد زنان را در متن خرید و فروش آنان و در متن ازدواج، طلاق، ارث برجسته میکند. این قانون تبعیض جنسی را که مبنای آن شریعت اسلامی است علیه زنان اعمال میکند.
این قوانین ظالمانه که جریانات قومی، اسلامی و عشایر مسلط به پارلمان کردستان آنها را تصویب رساندند تعرضی آشکار علیه حقوق پایه ای و انسانیت زنان است. کارنامه این جریانات در طول ۱۷ سال گذشته سراپا زیرپا نهادن حقوق زنان، پیروی کردن از عشایر و ارتکاب قتلهای ناموسی بوده است. با تلاش نیروهای انساندوست، آزادیخواه، برابری طلب، سکولار و مردم متمدن کردستان و جهان میتوانند این قانون ضد زن را ملغی کنند.

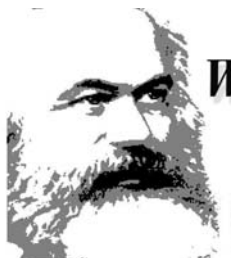
ما امضا کنندگان زیر کمپنی جهانی را در راستای خواستههای زیر اعلام می داریم.
۱: ملغی شدن قوانین چند همسری مصوب پارلمان کردستان.
۲: مقابله و مبارزه علیه هر شکلی از بیحقوقی زن و تبعیض بر

اسلحه و بمب و موشکی که از جمهوری اسلامی میگیرند علیه مردم اسرائیل جنایت میکنند، در اتویوس و دیسکوتک انسانهای بیگناه را کشتار جمعی میکنند، مردم بی دفاع را به قتل میرسانند، در فلسطین مانع رشد جنبش آزادیخواهی میشوند و خود به مانع بزرگی در مقابل حل مساله فلسطین تبدیل شده اند.

مردم فلسطین قربانی دو قطب تروریسم اند. دو قطبی که به هم نیرو میدهند، از هم تغذیه میکنند، به هم "مشروعیت" میدهند و تخم نفرت قومی علیه هم میپاشند. دولت اسرائیل با همدستی دولت آمریکا و برخی دول غرب يك قطب تروریسم و دولتها و سازمانهای اسلامی و در راس آنها جمهوری اسلامی که سازمانهایی مانند حماس را از نظر مالی و سیاسی و تسلیحاتی تغذیه میکند، قطب دیگر این تروریسم اند که مردم ستمدیده فلسطین را در منگنه خود میفشارند. تنها از طریق مقابله مردم آزادیخواه در فلسطین و ایران و خاور میانه و در سراسر جهان با هر دو قطب تروریسم و ارتجاع میتوان در کنار مردم فلسطین قرار گرفت، دولت اسرائیل را به عقب راند و برای حل مساله فلسطین گام موثر و واقعی برداشت.

با سرنگونی جمهوری اسلامی، جبهه آزادیخواهی و انسانیت جهش بزرگی در خاور میانه خواهد کرد و مردم فلسطین نیز در موقعیت مناسبتری برای صلح و آزادی قرار خواهند گرفت. کمک به مردم ایران برای سرنگونی حکومت منحوس اسلامی، کمک بزرگی به مردم فلسطین و کل بشریت آزادیخواه در سراسر جهان نیز هست.
اولمرت و بوش و مرتضوی و خامنه ای و رفسنجانی و احمدی نژاد و خاتمی و دیگر سران حکومت جنایتکار اسلامی متهمین درجه اول جنایت علیه بشریت هستند و محاکمه آنها در دادگاه های علنی و عادلانه باید به خواست هر انسان آزاده ای در هر کجای جهان تبدیل شود. *

ای پینوشه و قاضی مرتضوی قاتل و لیست بلندبالائی از سران حکومت اسلامی نیز پشت میز محاکمه قرار میگرفتند تا به جرم سی سال جنایت غیرقابل توصیف علیه مردم ایران و علیه بشریت محاکمه شوند. کیست که نداند هزاران مخالف سیاسی حکومت اسلامی در ایران به اتهام "محارب" و "کافر حربی" بودن بدستور خامنه ای و مرتضوی و دیگر سران حکومت شکنجه و اعدام شده اند؟ کیست که نداند رهبران حکومت اسلامی دهها هزار کمونیست و مخالف سیاسی را از دم تیغ گذرانند، قتل های زنجیره ای سازمان دادند، به صورت زنان اسید پاشیدند و پوزن کوبیدند، به کارگر اعتصابی شلاق زدند، هزار کارگر اعتصابی واحد را باتوم زدند و در اوین محبوس کردند، معلم حق طلب را سرکوب کردند، دانشجوی معترض را به صلابه کشیدند، جوان ناراضی را ارادل و اوپاش نامیدند و مورد شنیع ترین سرکوبها قرار دادند، صدها زن و مرد را به جرم رابطه جنسی خارج از ازدواج بیرحمانه سنگسار کردند، عده ای از زندانیان سیاسی را مورد تجاوز قرار دادند و سپس سر به نیست کردند، رهبران حکومتی که میلیاردها میلیارد دزدیدند و در مقابل، میلیونها کارگر و زحمتکش را به کمک سرکوب و زندان و شلاق و اعدام به گرسنگی و فقر مطلق کشاندند و کارگر را مجبور به فروش کلیه برای تامین زندگی کردند، میلیونها جوان را به اعتیاد و میلیونها زن را به تن فروشی مجبور کردند، زن را به يك برده بیحقوق تمام عیار تبدیل کردند و حکومتی بر پایه آباترید جنسی و قوانین ارتجاعی و قرون وسطائی مذهبی بنا نهادند، موزیک را ممنوع کردند، خنده و شادی را گناه شمردند، دختر و پسر را با سرکوب سیستماتیک و لحظه به لحظه از يك رابطه انسانی محروم کردند، و هزاران جنایت دیگر در طول حیات خود در داخل و خارج کشور سازمان دادند؟ جای این جانیان پشت میز محاکمه و زندان است نه در موقعیتی که خواهان محاکمه جنایتکاران دیگر شوند. اما حتی در خود فلسطین نیز جمهوری اسلامی يك پای ارتجاع و جنایت است. در مقابل وحشیگری دولت اسرائیل، تروریسم اسلامی و سازمانهایی مانند حماس با پول و



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org

ایمیل سرگول احمد
sargulah@yahoo.com

ایمیل خیال ابراهیم:
khalibrahim@yahoo.com
Tel: 0016472153210

از صفحه ۱ ارتش ابزار سرکوب طبقاتی

علنی تر بوده است، بلکه در اروپا و آمریکای شمالی هم که اسطوره ارتش غیر سیاسی رواج بیشتری داشته است، کاملاً قابل مشاهده است. همچنانکه در همین برنامه گفته شده است در کشورهایی مثل ایران و پاکستان و ترکیه و اندونزی و شیلی و آرژانتین و برمه و... مردم پوتینهای خونین ارتش را بارها و بارها در خیابانهای شهرشان مشاهده کرده اند و با نقش واقعی ارتش آشنا شده اند. در برخی از این کشورها اصلاً در مقاطعی حکومت دست نظامیان بوده است و وظیفه نجات مالکیت مقدس سرمایه داران از دست تهیدستان "بی سر و پای" که به تقدس مالکیت دست درازی کرده اند مستقیماً روی دوش ارتش بوده است و ارتش به مثابه قهرمان بازگرداندن "نظم" به جامعه، یعنی حفظ اوضاع موجود از دست شورش و انقلاب ظاهر شده است.

اما در دموکراسی های غربی، در کشورهایی مثل انگلستان و آلمان و استرالیا و کانادا و آمریکا کارکرد حکومت و به تبع آن نهادهای سرکوبش مثل ارتش پیچیده تر است. در این کشورها چهره واقعی ارتش را تا آنجا که به نقش داخلی ارتش مربوط است بیشتر نمیتوانند ببینند. در این کشورها قدرت سیاسی و ابزارهای سرکوبش پشت شبکه پیچیده ای از نهادها و سازمانهایی که ظاهراً و به طور فرمال مشروعیتهایشان را از مردم گرفته اند پیچیده میشود و به صورت قدرتی از طرف مردم و برای مردم و ماوراء طبقات بروز میکند. در این کشورها "اسطوره ارتش غیر سیاسی" به عنوان حافظ منافع مردم توسط ماشین ایدئولوژیک و تبلیغاتی

کاملاً سیاسی عمل کند و نگذارد طبقه حاکم در اعماق بحران سیاسی مدفون شود. ارتش قرار است با چنگ و دندان خونین از نظم موجود پاسداری کند.

مدت کوتاهی از بحران اقتصادی فراگیر سرمایه داری نگذشته است که نشریه "فونیکس بیزینس ژورنال" گزارشی از دانشکده جنگ ارتش آمریکا منتشر کرد که در آن از احتمال بکارگیری نیروهای پنتاگون برای مقابله با ناآرامی اجتماعی و سیاسی حاصل از بحران اقتصادی جاری صحبت شده است. از این صحبت شده است که "خشونت مدنی گسترده" نهادهای دفاعی را مجبور خواهد کرد اولویتهایشان را عوض کنند و به دفاع از نظم اساسی داخلی و امنیت انسانی بپردازند. این گزارش، تروریسم خارجی و از دست رفتن نظم قانونی در داخل را هم ارز قرار میدهد و میگوید که این هردو میتوانند اقدام نظامی را ضروری کنند. در همین گزارش، هنری پاولسون وزیر خزانه داری، همان کسی که پیشتر حمایت مالی دولتی برای نجات بانکها بود، در کنار طرح اقتصادی اش، از ضرورت حکومت نظامی صحبت کرده است. همچنین پلیس ایالت آریزونا اعلام کرده است که مدتهاست برنامه سازمانیافته ای برای مقابله با ناآرامی اجتماعی احتمالی ناشی از بحران اقتصادی روی میزشان بوده است. همه اینها در متن نگرانیهای علناً اعلام شده بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در باره شورشهای احتمالی معنای واقعی خود را پیدا میکنند. بانک جهانی از احتمال شورش گرسنگان در ۲۳ کشور جهان هشدار داده است و استراوس کان، مدیر صندوق بین المللی پول علناً از امکان شورشهای ناشی از بحران اقتصادی اسم برده

است. اولین جلوه قدرتمند این پیش بینی در یونان رخ داد. یونان در فاصله ای کوتاه به میدان روبرویی عظیم توده ناراضی مردم و دولت راست طبقه حاکم تبدیل شد. قتل يك جوان ۱۵ ساله توسط پلیس، کل يك کشور را در فاصله ای کوتاه در آستانه يك انقلاب قرار داد. خود رسانه های رسمی اعتراف کردند که قتل آن نوجوان، به انبار باروت خشم و نفرت میلیونها انسان از سیاستهای راست طبقه حاکم و دستگاه جلوی صحنه سرکوبش یعنی پلیس جرقه زد. تازه یونان حتی در ته لیست سی کشور بانک جهانی هم نبود.

مدتها پیش از شورش یونان، هنوز بحران اقتصادی کنونی و خطر تبدیل شدنش به بحران سیاسی مطرح نشده بود که گزارشهایی منتشر شده بود حاکی از تصمیم دولت آمریکا برای توجیه و قانونی کردن بکارگیری ارتش برای سرکوب داخلی، برای سرکوب ناآرامیهای اجتماعی و سیاسی. پیش از اعلام سقوط بازار بورس به مثابه اولین جلوه بحران جهانی سرمایه داری، برای اولین بار يك واحد آماده بخدمت ارتش تحت فرماندهی "تورت کام" پنتاگون (که در جریان ۱۱ سپتامبر با ماموریت دفاع از سرزمین آمریکا در مقابل تروریسم شکل گرفت)، قرار گرفت تا با موارد اضطراری از جمله ناآرامیهای اجتماعی مقابله کند. این واحد به Raiders معروف است و جزو خونین تر بخش ارتش آمریکاست که سه سال در عراق مشغول خدمت بوده است و رهبری حمله به بغداد در سال ۲۰۰۳ را به عهده داشته است که در آن مشغول جنگ خانه به خانه و سرکوب مقاومت در شهرمادی بوده است. رابرت کلاتیر، فرمانده این واحد گفته است که سربازان این واحد برای بکار

بردن اولین اولین سلاحهای غیر مرگبار آموزش دیده اند. سلاحهایی که افراد خطرناک را بدون کشتن به تسلیم میکشد. یکی از این سلاحها "تیزر" است که روی سربازان این واحد به خاطر این که موقع بکاربردن این سلاحها علیه مردم احساس سمپاتی نکنند آزمایش شده است. سلاح دیگر از این نوع، سلاحی است که اشعه ای به سوی جمعیت پرتاب میکند و لایه ای از پوست بدن را میسوزاند و جمعیت را از تحرك باز میدارد.

همه اینها جلوه های این حقیقت سیاسی هستند که در دوره بحران اقتصادی جامعه سرمایه داری در مقابل يك دو راهی قرار میگيرد: یا طبقه حاکم سرمایه دار میتواند بر بحرانش را با تحمیل فقر و فلاکت بر دوش طبقه کارگر به فرجام برساند که البته برای به فرجام رساندن این پروسه باید بتواند ناآرامیهای اجتماعی حاصل از این وضعیت را هم سرکوب کند و یا طبقه کارگر این بحران را زمينه ای برای ابزار وجود به مثابه يك طبقه متشکل و متحد به گور همین نظام تبدیل میکند.

ابزار طبقه سرمایه دار برای خروج از بحران سیاسی اش، بکار گرفتن همه ابزارهایی است که در زرادخانه های ایدئولوژیک و سیاسی و نظامی و امنیتی اش ذخیره کرده است. ارتش یکی از این ابزارهاست. ابزار طبقه کارگر در چنین شرایطی فقط و فقط حزبی از جنس حزب کمونیست کارگری است. تنها چنین حزبی میتواند طبقه کارگر را همچون يك نیروی متحد و متشکل به استقبال چنین شرایطی ببرد و اوضاع را به نفع خود و کل جامعه متحول کند. *

اعتراض کارگران مجتمع صنعتی شمال غرب تبریز

بنا به اخبار منتشر شده، بیش از ۳۰۰ تن از کارگران مجتمع صنعتی شمال غرب تبریز که تولید کننده قطعات خودرو می باشد، در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و دستمزد خود و همچنین حق بیمه و بی توجهی مسئولان به مسائل بهداشتی و رفاهی کارگران، دست از کار کشیدند و در کارخانه دست به

تجمع اعتراضی زدند. به گفته کارگران این کارخانه فعالیت مطلوبی داشته و مشکلی در فروش محصولات خود ندارد و در نتیجه پرداخت نکردن دستمزد کارگران هیچ توجیهی نمیتواند داشته باشد.

بنا به گفته کارگران این اولین باری نیست که کارگران خواهان رسیدگی به مطالبات خود شده اند

می کند و از همه مردم تبریز می خواهد که این کارگران را مورد حمایت خود قرار دهند. حزب همه کارگران این مجتمع را به پیوستن به این اعتراض فرامی خواند و کارگران را به برگزاری مجمع عمومی و تصمیمات متحد و یکپارچه برای ادامه مبارزه فرامیخواند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ دسامبر ۲۰۰۸، ۹ دیماه ۱۳۸۷

صدای مردم در کانال جدید

به کانال جدید کمک مالی کنید برنامه ای از شهلا دانشفر

سلام خانم دانشفر. من و دوستانم از چوب صندوقی ساخته ایم و از فردا شروع میکنیم به جمع آوری کمک مالی و برای آزادی و رهایی سریع از دست این رژیم جنایتکار برایتان ارسال میکنیم. مرتضی کارگر

ما از دانشگاه بیرون کردند اما خوشبختانه میبینم کانالی هست و بما فرصت حرف زدن میدهند که در ایران هیچوقت بما ندادند بودند. مطمئن باشید که شما را فراموش نخواهیم کرد و حمایت میکنیم. دانشجوی اخراجی از ایران

ما نزدیک چهارصد نفر کارگرم که نزدیک ذوب آهن اصفهان کار میکردیم و همه را اخراج کرده اند و گفته اند که بروید از بیمه پول بگیرید که آنها هم چیزی بما نمدن، ما الان باید با این وضع و با این رژیم چکار کنیم؟! بعضی از کارگران هم که مثل من مجردند چه جوری میتونیم ازدواج کنیم؟! کارگر اخراجی از شرکت سپاهان اصفهان

خانم دانشفر درود بر شما، من ۵ هزار دلار کمک میکنم لطفا راهنمایی کنید. مردی از ایران

خانم دانشفر در این مملکت برای فروش کلیه هم اول باید سیصد تا چهارصد هزار تومان برای آزمایشات هزینه کنیم تا کلیه مان را برای چندرغاز پولی تقدیم کنیم! ممنونیم از برنامه های شما. کارگری از ایران

مرسی از برنامه کمک مالی شما. من با دوستانم صحبت میکنم و خیلی خوشحالیم که پس از سالها آرزو چنین چنین حزی را داریم و با افتخار کمک خواهیم کرد. ما خودمان را عضو همین حزب

میدانیم و در این آرزو موفق شدیم. جمهوری اسلامی در کردستان بسیاری از ماها را به جوخه های اعدام سپرد و یادمان نرفته اما بالاخره توانستیم حزب آرزویمان را پیدا کنیم. به وجود عزیزانی مثل حمید تقوایی و اصغر کریمی و کیوان جاوید و همه شان افتخار میکنیم و دستشان را بگرمی میفشاریم. مردی از کردستان

سلام خانم دانشفر آیا لازم است که خودم را بعنوان اسپانسر اعلام کنم یا نه؟ من ماهانه ۲۰ پوند میگذارم کنار و هر ۶ ماه یکبار میپردازم، آیا میشود از طریق مستقیم از حسابم کم شود یا نه؟ مردی از انگلیس

من میخواستم به مردم بگم که اگر این کانال نباشد مردم نمیتونن درد دلشان را بگن و متحد بشن. پشت ۲۰ تا کانال نشستیم و هیچکدام برای دانشجویان، برای کارگران و معلمان و زنان و جوانان حرفی نزدند ولی دیدیم که این کانال چند روز پشت سر هم برای دانشجویان برنامه گذاشت. منم ماهانه ۵۰ یورو کمک میکنم. زنده باد حزب کمونیست کارگری. زنی از آلمان

سلام شهلا جان، شماره حساب میخواستم که کمک مالی کنم. از دور رویتان را میبوسم. الینا از ایران

سلام خانم دانشفر. الان ما مردم گرسنه زیادی داریم و معتاد و تن فروش و بیکاران بسیاری هم داریم ولی میلیونها مردم میروند به زیارت و میلیونها ارز از کشور خارج میکنند و دور یک سنگ میچرخند آیا این خدایپرستی هست یا بت پرستی؟ دختر من وقتی این چیزها را میبیند افسرده میشه و میشینه گریه میکنه! آیا نمیتونن این پولها را برای همین کانالها و مردم گرسنه و بهبود معتادان خرج کنند؟ کمک کوچک منم که بجای نمیرسه چراکه من قطره ای از دریا هستم، چکار باید بکنم؟

زنی از ایران

من میخواستم پانصد هزار

تومان کمک کنم و این تنها تلویزیونی است که حرف دلمان را میزنیم. مردی از ایران

منم میخواستم ۵ میلیون تومان کمک کنم و ۶ ماه است که رابطه ام با شما قطع شده بود. من دوباره شروع میکنم به درست کردن صندوق و مطمئن باشید نمیکذارم این کانال تعطیل شود. فریاد از ایران

من نتوانستم از ایران خارج بشم و کمک مالی را برسانم چند روزی هم هست که تلفنها کنترل بود. خانم دانشفر، زنده بودن دیگر معنی ندارد و امیدمان فقط به حزب کمونیست کارگری است و همه مردم ناراحتند و فقط یک جنبشی میخواهد که مردم را متحد کند و این حزب هست و متحد خواهد کرد. ترکان از ایران

از کانال جدید تشکر میکنم و مبلغ پانصد هزار تومان ارسال میکنم. مردی از ایران

اگر آزادی و برابری میخواهید به حزب کمونیست کارگری کمک کنید، اگر میخواهید از امکانات رایگان پزشکی برخوردار شوید، اگر تامین اجتماعی برای خود و خانواده خود میخواهید به حزب کمونیست کارگری کمک کنید، اگر میخواهید فقر از ایران ریشه کن شود به حزب کمونیست کارگری کمک کنید که این حزب برای رفع معضلات ایران برنامه علمی و انقلابی دارد و تنها راه نجات این ملت از دست ستم جمهوری اسلامی همین است. ما در حدود صد پوند قبلا کمک کردیم و یک ۵۰ پوند دیگر هم کمک کرده ایم که سعی میکنیم هردو بدستمان برسد و حق عضویت مان را هم که تعدادی هستیم هر سه ماه جمع میکنیم و میفرستیم. زنده باد سوسیالیسم. زنده باد حزب کمونیست کارگری. بنامیاندگی از تعدادی از اعضای جدید حزب

خانم دانشفر هر کسی میتواند ۱۰ هزار تومان یا ۵ هزار تومان و حتی هزار تومان به صندوق بریزد و همه را در جمع خود یکی کنند و

یکجا برایتان بفرستند. من و خانواده ام صندوق تشکیل دادیم و به یک سقفی که برسد برایتان میفرستیم و میخواهیم ماهانه باشد. زنده باد حزب کمونیست مردی از ایران

سلام خانم دانشفر واقعا خسته نشاید. ما میخواهیم کمک مالی کنیم و لطفا راهنمایی کنید. مردی از ایران

سلام خانم دانشفر. من زنگ زده ام کمک مالی کنم چونکه دانشجو هستیم در خارج از ایران ولی در اولین فرصت که کار کردم کمک میکنم. من زنگ زدم بگم دستتان درد نکنند واقعا که به این مردم کمک میکنید و امید مردم رنج دیده مان شده آید. من عاشق مردم مان هستم (بغض و اشک شادی) و ناراحتم که از مردمان دورم و من مطمئنم با اتحاد و رهبری شما به این ظلم پایان خواهیم داد. دختر دانشجویی از خارج کشور

میخواهم به همه هموطنان چه داخل و چه خارج که بیننده این کانال هستند بگویم که ما اخبار دانشجویی را از این کانال شنیدیم و بوجد آمدیم و اعتراضات کارگری و معلمی را هم همینطور، و یا در مورد فاطمه دیدیم که چه اندازه احساسات و همدلی و همبستگی از طریق همین کانال بین مردم بوجود آمد و در هرکدام برنامه هایمان مردم دارند اندیشه هایشان را با هم تبادل میکنند و به یک نتیجه ای میرسند و میفهمند که دنیای بعدی را باید چطور ساخت و این رسالتی است که این کانال و این حزب بر دوش گرفته و طبعاً وظیفه تک تک مردم هم هست که برای برپا نگهداشتن این کانال دست بکار شوند هرچند که میدانیم که مردم درگیر فقر و مشکلات گوناگونند ولی خب با کمکهای کوچک میلیونی هم میتوان مبالغ بزرگی ساخت. امیدوارم هر کسی ۵ هزار تومان یا ۱۰ هزار تومان هرچقدر که توانستند در بین کارگران و معلمان و زنان و دانشجویان و همه مردم و طرفداران این کانال که کم هم نیستند کمک کنند. منم فعلا ۵۰ هزار تومان برای این ماه کمک میکنم و میدانم چیزی نیست. زنی از ایران

سلام خانم دانشفر. منم پانصد هزار تومان کم میکنم. از شمال ایران

الو سلام خانم دانشفر. منم پانصد هزار تومان کمک میکنم. از ایران

سلام خانم دانشفر. منم میخواستم ۲ میلیون تومان بفرستم لطفا راهنمایی کنید. مردی از تهران

من ارسلان ناظری از استرالیا هستم. خیلی ممنون خانم دانشفر، تمامی فعالیتهایی که شما شمردید در سایه فعالیتهای جمعی این حزب بوده و در حزب و حزبیست هست که معنی پیدا میکنیم. وقتی به پیامها گوش میکردم که مردم چطور از فقر و بیچارگی مالی و نداری و بویژه آن دوستانم از شیراز کمک میکردند و حرفهای دلنشین و امیدوار کننده ای میزدند اشک شوقم در میامد. بخود شما هم تبریک میگم که اینقدر

در دهلهای مردم جا گرفته آید و امیدوارم بتوانیم با همت مردم و رهبری حزب کمونیست کارگری کار این جمهوری اسلامی را با سرعت یکسره کنیم. دوستان ما هم اینجا بطور مستمر کمک میکنند و تا بحال هم جمع آوری شده و فرستاده ایم و قول میدهم که کمپین وسیع کمک مالی در سطح شهر هم راه بیاندازیم و برایتان ارسال کنیم. دوستی از خارج زنگ زده بودند و میخواستم بگم که شما یادتان رفت پیرسید که در کدام کشور هستید که به واحدهای حزب در آنجا و آن شهر رجوع کنند و بما پیوندند و اگر نمیتوانند کمک مالی کنند لااقل متحد باهم کارهای مان را پیش ببریم. از مردم هم میخواهم که به این روند پرشورشان ادامه دهند.

از فعالین کمیته همبستگی بین المللی کارگری حزب

حمایت از اعتصاب کارگران (۱) برنامه ای از اصغر کریمی

ما ۶۰، ۷۰ نفر کارگر در

از صفحه ۶ صدای مردم در کانال جدید

آذربایجان غربی در شرکتی کار می‌کردیم و دو سال است که بیرونمان کرده‌اند و از دو میلیون و سیصد هزار تومان طلبی هم که هر کدامان داریم چیزی بمانده‌اند. کارگر بیکار از ایران

آقای کریمی سلام، من مدتی هست عضو این حزبم و برنامه‌های شما دارد روی مردم تاثیر می‌گذارد دستتان درد نکنند و امید رهایی مردم شده‌اید. زنده باد منصور حکمت، مرگ بر جمهوری اسلامی. مردی از ایران

سلام. من از کارگران صنایع فلزی هستم که در اعتضایم. آخرین خبر این است که مدیری که کارگران قبلاً گرفته بودند فرار کرده اکنون مدیر عامل اصلی بیان الحق را گرفته‌اند و در کارخانه نگهداشتند تا بتوانند حقوقشان را بگیرند که با حراست دست دارد. ایشان خودش به وزارت کار نیامد بلکه همیشه وکیلش می‌آمد و او هم کارگران را همیشه سرمی‌دواند و میگفت می‌خواهند کارخانه را بفروشند. دست کارفرما در دست وزارت کار هم هست و بسیاری از مزایای کارگران بویژه استخدامیان را قطع کرده‌اند و حق باخرید شدن را گرفته‌اند و به امثال من که شش تا بچه دارم ششماه حقوق نداده‌اند.

کارگر اخراجی صنایع فلزی

الو سلام، من مخلص شما هستم. به تمام ما جوانان و مردم ظلم میشه، اگر میشه شما به کاری کنید و ما هم با شما همکاری می‌کنیم. من از طریق همین کانال از تمام مردم شیراز همکاری می‌طلبم. جوانی از روستاهای شیراز

اینجا به کارگران خیلی ظلم میشه. کارگرانی داریم که سه ماه کار می‌کنند و نه ماه بیکار میمانند. کارگری از روستاهای شهرستان مرند

در جمهوری اسلامی به کارگران خیلی ظلم میشه و خیلی از بچه‌های مردم را معتاد کرده‌اند که در زمان شاه مستولش اشرف پهلوی بود الان هم جمهوری اسلامی است. شیشه و کراک را کی وارد مملکت می‌کنه؟! پول نفت کجا میره؟! به نیکاراگوئه، به تروریستهای لبنان و فلسطین! کجا میره؟! بنظر من با این اعتصابات تک موردی نمیشه کاری کرد. باید مثل انقلاب ۵۷ مردم بریزند بیرون در کردستان در مازندران در همه جا. دیگر بالاتر از سیاهی که رنگی نیست! دیگر این سیاهی از سر و کولمان بالا میره! ما ۳۰ سال است که در قفس نفس می‌کشیم و در زندانیم، آدمهای روشنفکر می‌فهمند که معنی قفس چیه! دیگر امید نیست و دیگر زندگی اجتماعی زندان شده! باید همه پدران و مادران و جوانان بریزند خیابان. الان این شبکه «ما هستیم» تبلیغ می‌کند که بریزیم بخوابان، خب آخه دست خالی بریزیم بخوابان که چی بشه؟! بگیرند و ببرندمان! لاف‌ل مسلمانان بریزیم و متحدانه کاری بکنیم. جانبازی از ایران

روزتان خوش. بنظرم وضعیت کارگران ایران با هیچ کجای دنیا قابل مقایسه نیست و از این قوانین بسیار ارتجاعی و عقب مانده جمهوری اسلامی سرچشمه میگیره. بهترین کار این است که اخبار کارگری را به رسانه‌هایی انتقال دهیم که واقعا منعکس می‌کنند. دیشب احمدی نژاد آمده بود توی کانال ۴ یکسری مزخرفات گفت و بدنبالش یکی از وزرای معلوم الحال مجلس بنام (جرج گالویی) توی تلویزیون معلوم الحال جمهوری اسلامی بنام پرس تی وی برنامه‌ای را گذاشته که من امروز بخشی از تکرار برنامه را دیدم و آنجا این بحث را می‌کنند که احمدی نژاد ۱۸ میلیون رای آورده و قابل اعتماد مردم ایران است، و کسانی هم که آمدند روی خط و اعتراض کردند همه شان را متهم به این کردند که خارج از ایران زندگی می‌کنند و صلاحیت اظهار نظر ندارند! ای مردم، شما باید بدانید که این رژیم در غیاب حضور شما و اعتراضات شما از هر وسیله ای استفاده می‌کند و جمهوری اسلامی این وزیر انگلیسی را خریده است، این وزیر با افتخار اینکه با تاجر و برخی سران دیکتاتور دنیا جنگ کرده و زیر پوشش اینکه از کسانی دفاع می‌کند که به آنها ظلم شده بطور وقیحانه میاید روی خط که شکنجه‌های ۳۰ ساله شما توسط جمهوری اسلامی را خنثی کند،

بنابراین بهترین شاهد شما هستید که می‌آید روی خط و اعتراضاتتان را با مدرک و سند بگوش جهانیان میرسانید. من از فعالین سیاسی می‌خواهم که به این وزیر و وزرا که در لندن در مجلس نشسته‌اند اعتراض کنند، به اینهایی که از احمدی نژاد دفاع می‌کنند. آقای اعتراض می‌کرد که چرا جمهوری اسلامی افراد زیر ۱۸ سال را اعدام می‌کند آنوقت این آقا با وقاحت تمام گفت که شما از کجا میدانید که ۱۸ سالش بوده! شما فکرش را بکنید که مردم ایران با اسم و با عکس و با سندهای روشن این اعدامیان را به همه جا پخش می‌کنند و در رسانه‌های بین المللی منعکس میشود ولی آنوقت اینها با وقاحت تمام انکارش می‌کنند.

زنی از لندن

زنده باد مبارزه سازش ناپذیر با دشمنان طبقه کارگر. زنده باد جنبش کمونیسم کارگری
مردی از کردستان

درد بر حزب کمونیست کارگری و درد بر شما که شبانه روز دارید برای کانال جدید زحمت می‌کشید. خیلی از مردم ایران می‌پرسند که باید چه بکنیم؟ من به آنها می‌گم که الان هزاران نفر در کیان تاثیر دارند اعتصاب می‌کنند، هزاران نفر در لوله سازی اهواز دارند تظاهرات می‌کنند و اعتصاب می‌کنند. هزاران نفر در نیشکر هفت تپه دارند اعتصاب و تظاهرات می‌کنند، هزاران نفر در ذوب آهن اصفهان دارند مبارزه می‌کنند، در اراک و اردبیل مبارزه می‌کنند و کلا در اقصی نقاط ایران یک سنتی دارد بوجود می‌آید که که در ۳۰ سال گذشته سابقه نداشته. شما مردم باید به کمک اینها بشتابید و اگر می‌خواهید کاری بکنید هجوم بیاورید بطرف کارخانه‌ها و از کارگرانی که پرچم مبارزه را علیه رژیم ستمگر ولایت فقیه و علیه این کارفرمایان سرمایه دار بلند کرده‌اند بشتابید. مردم ایران، این وظیفه همه ماست که به این پرچمداران مبارزه در این مقطع تاریخ کمک کنیم، درست است که مبارزاتشان صنفی است ولی بزودی شکل سیاسی خواهد گرفت و ما را متحد خواهد کرد تا همگی به مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی بشتابیم. مردم ایران، کمک مبارزات کارگران،

بکمک مبارزات دانشجویان و زنان و به کمک مبارزات معلمان بشتابید، کمک این قربانیان ۳۰ سال دم و دستگاه جمهوری اسلامی و ولایت فقیه بشتابید و در صف حزب کمونیست کارگری متشکل شوید و تنها راه نجات ما و تنها مسیر مبارزه ما این است که از این ماشین جنگنده که بوجود آمده برای پیشبرد مبارزه مان استفاده کنیم. زنده باد سوسیالیسم و درود بر حزب کمونیست کارگری
کارگری از شیراز

الو سلام. من می‌خواستم در مورد این شاهان و ستمگران نکته‌ای بگم. والله ما که ۷۰ سال خانواده کارگری بودیم نتوانستیم صاحب یک خانه کوچکی باشیم. ۷۰ سال است که از آن رضا شاهش بگیرم و محمد رضا شاه و هرکسی که پرچم شیر و خورشید الم می‌کند و مردم را میبرد به خیابان که «ما هستیم» چیزی ندیدیم، خب «ما هستیم» یعنی چی؟! آخه ما پشت کی هستیم؟ آیا پشت کارگرم پشت معلمیم و پشت کارمند زحمتکشیم یا پشت کی هستیم؟! اکثر جاهای دنیا دکنتر مجانی است ولی ۸۰ سال است که در آن مملکت اگر بچه ات مریض باشد اول باید پول بریزید به حساب دولت تا معالجه اش کنند! الان می‌آیند و از کوروش دفاع می‌کنند که چی بشه؟ که کدام درد مردم حل بشه! بابا بیاید بداد کارگران برسید که ششماه به ششماه حقوق نمی‌گیرند و اسانلو و کارگران دیگر در زندانند! کمی بچینید و دست این جنایتکاران را که همین دیروز نه نفر دیگر را اعدام کردند از این جامعه قطع کنیم. فکر کنید ببینیم که این آشغالها را چه جوری باید بیرون بریزیم؟ من در آلمان نشسته‌ام و مردم هی زنگ می‌زنند و می‌گویند ده روز به ده روز گوشت نمی‌خوریم! بدبختند و بیچاره‌اند و کار ندارند و خانه ندارند، کمی بچینید. ما کارگر بودیم و میدانیم که اگر سر برج حقوقمان نمیرسید چه می‌کردیم. یک مشت سلطنت طلب و شیر خورشید چی‌ها می‌آیند و از کوروش دفاع می‌کنند همه اینها حرفهای چرت می‌زنند. کاری که ما باید بکنیم همگی بدور این حزب کمونیست کارگری جمع بشویم و متحد شویم.

زنی از آلمان

سلام به کمونیست بزرگ اصغر کریمی، می‌خواستم بگم از شاه و شیخ ملولم و انسانم آرزوست. کدام انسان زحمتکشی تا بحال از شاه یا شیخ خیری دیده؟! از نوشیروان گرفته تا داریوش و کوروش همه برای طبقه و قشر خودشان عادل بودند. زنده باد منصور حکمت.
مردی از ایران

درد بر آقای اصغر کریمی. این مناسبات اجتماعی تولید را کارگران با زحمت شبانه روزی خود بوجود می‌آورند اما جمهوری اسلامی و کارفرمایان این نعمات را به یغما می‌برند. زنان کارگران بر سر زایمان می‌میرند و اطفالشان درست تغذیه نمی‌شوند، بیمه ندارند و از بهداشت و مسکن هم خبری نیست. این بربریت در کجای دنیای متمدن قابل توجیه است؟ ما باید دست بدست هم دهیم و از طبقه کارگر تا پای جان حمایت کنیم و مبارزات زنان و دانشجویان را و مبارزات معلمان گرسنه را حمایت کنیم تا جامعه را از دست این انگلهای سرمایه بیرون بکشیم. زنده باد حزب کمونیست کارگری. زنده باد سوسیالیسم.

کارگری از ایران

ما سیصد چهارصد کارگر را که بعضاً ۲۳ سال کار کرده‌ایم از شرکت سپاهان ذوب آهن اخراج کرده‌اند و می‌گیرند بروید حقوق بیکاری بگیرید که بیشتر از دو سه هفته بیمه نمیدهد و ما الان دو سه هفته است که بیکاریم و نمیدانیم با این رژیم چه بکنیم؟ من مجردم و با این بیکاری نمیتونم ازدواج کنم.

کارگر اخراجی از شرکت سپاهان ذوب آهن

من حرفم را با درود به مبارزات کارگران شروع می‌کنم و تقویت این مبارزه بستگی به آمادگی خود کارگران دارد. امروز با این پشتیبانی عمیقی که توسط جنبش دانشجویی و زنان و مبارزات معلمان از جنبش کارگری میشود، باید که کارگران اقدامات بیشتری برای مبارزات همبسته بکنند. من یاد است زمانی که در انقلاب ۵۷ شاه داشت میرفت، بی تاثیر از اعتصابات صنعت نفت نبود و با پشتیبانی مردم صورت گرفت الان هم مردم ما باید هشیار باشند و در صفوف میلیونی بکمک

از صفحه ۷ صدای مردم در کانال جدید

کارگران بشتابند.
کارگری از ایران

سلام آقای کریمی. راجع به

تعریف کارگر و کوروش کبیر چند کلمه حرف دارم. با پیشرفت تکنولوژی دیگر اکثر کسانی هم که کارگر نبودند و سرمایه ای نداشتند الان بنوعی کار مزدی میکنند و نیروی فکرتان را میفروشند. در مورد مسئله پادشاهی هم حالا که جمهوری اسلامی را نمیخواهیم باید بگوییم که حکومت پادشاهی خوب است و کوروش را تبلیغ کنیم؟! اینها کسانی هستند که دنبال همان حکومت پادشاهی اند و جنبه های ناسیونالیستی مردم را تقویت میکنند و مردم را دوباره فریب میدهند. در خود انقلاب هم اینجور فریب دادند که گفتند در جامعه مذهبی سطح زندگی مردم مثل رهبر مذهبی خواهد بود که الان میبینیم ایت الله های میلیاردی چه شرایطی زندگی میکنند! حالا هم میخواهند شاهان را زنده کنند. مردم اینبار میدانند که حکومت برابری و آزادی واقعی، حکومت مردمی با سوسیالیسم ممکن است.

مردی از ایران

سلام و درود گرم ما را پذیرا باشید آقای کریمی و سلام بر خانواده محترم شما. این همه پولی که مردم برای عاشورا و تاسوعا خرج میکنند خرج بکنند به کانال جدید و کانال رنگارنگ. من اگر آدرس شما را داشته باشم یکمقدار نذری دارم که میخوام به کانال جدید و کانال رنگارنگ بفرستم. من دو بچه 28 و 30 سال دارم و خودم بازنشسته ام و نمیدانید با چه مکافات زندگی میکنیم. منتظر شما هستیم که یک اتفاقی بیافته و هر چه از دستمان برمیاد انجام بدیم و به این حکومت پایان دهیم.

مردی از ایران

آقای کریمی کلا وضع همه مردم بد شده، حالا چه جوری باید از مبارزات کارگران حمایت کرد؟! منتهای یک اقلیتی همه مردم وضع یکسانی دارند. وضع طوری است که آقدر مردم را گرفتار کرده اند که یک نفر بعد از شغل اولش دوباره میره سراغ کار دومش تا نان بخور و نمیری دربیاره، و دیگه وقت و جانی برایش

نیماند که کار دیگری بکند. شما باید یک چیزی بگویید که مردم بتوانند آترا پیگیری کنند وگرنه ما هم وضعی بهتر از کارگران نداریم و حتی از کارگر بدتر هم داریم که کاری هم ندارند و واقعا به گدایی افتاده اند و علنا میایند و میگویند که بما پول بدهید! راستش عقلمان بجایی نمیرسد، آخه این چه وضعی است که دچار شده ایم! من از اینها دیگر نمیترم و مردم دیگر نباید ترسند. چند وقت پیش یکی از این خواهان زینب گفت که خانم لباس رفته عقب گردنت بیرونه! منم تا میتونستم کتکش زدم و چادر و مقنعه هم از سرش افتاد و کاسبهای محل از دستم گرفتند، ما نباید از چیزی ترسیم چونکه چیزی نداریم که از دست بدیم و مردم تا ترس را کنار نگذارند موفق نمیشوند. بخدا بقدری بدبخت و گرفتار شدیم که بمردمان هم راضی شدیم و دیگه از چی ترسم. مردم باید بلند شوند و این آخوند های کثیف را بریزند بیرون. بخدا اگر بمیریم خیلی بهتر از این هست، زندگی سگ از زندگی ما بهتره. باید بلند شیم و کاری بکنیم وگرنه اینجوری فایده نداره که هی بنشینیم و حرف بزیم! آخه دیگه چند سال حرف بزیم؟! بخدا جز ذلت و خواری در این ایران هیچ چیزی و افتخاری برای زندگی نیست پس چرا باید بترسیم؟! برادر کمونیسته از حرفهای میفهم زندگی یعنی چی. لطفا شما شرایط عضو شدن این حزب را بگویید؟

زنی از ایران

همصدا با خانم ۷۰ ساله ای که علیه پادشاهی میگفتند میخوام بگم که مردم همان حلبی آباد نشینها و حاشیه نشینهایی که حکومتهای دو هزار و پانصد ساله را بگور سپردند چه جوری دوباره عده ای میخواهند سوار زندگی شان شوند! من هم جزو این میلیونها کارگری هستم که حاشیه نشین هستیم و با بدبختی بزرگ شده ایم. مگر همینها شعار "خدا، شاه، میهن" را نمیدانند! مگر جمهوری اسلامی در پیوند با همین حکومت ناتوان شاه نبود که سرکار آوردند! مگر همین فردا پس فردا نمیخواهند با همین اسلام و نیروهای انتظامی و سران ارتش و اندیشمندان اسلامی دست بیکی کنند و دوباره نظام کثیف سرمایه داری را حفظ کنند! امروز ما

کارگران نان برای خوردن نداریم و با دویست هزار تومان در حاشیه شهرها جایی برای زندگی نداریم و ما همیشه به فکر پرداخت اقساط ماهانه مان هستیم و صدها درگیری داریم در صورتی که همین سرمایه داران جنایتکار پادشاه دوست گریخته به خارج هزاران تشکیلات و دهها تریبون دارند و حالا هم که یک تریبون کارگری پیدا شده حتما باید بیایند و اشغال کنند و تبلیغات خودشان را پیش برند و دخالتی بکنند که اصلا ربطی به زندگی ما انسانها ندارد. ما در این جمهوری اسلامی داریم جان میکشیم و بیکار میشیم و زندان و شکنجه میشیم و میمیریم و کشته میشیم و میلیونها مردم و کارگر گرسنه از نان شبشان مانده اند. من خواستم به اینها بگم که بروید حرفهایتان را در تلویزیونهای خودتان بزیند و بگذارید ما برای فقر و بدبختیمان راهی پیدا کنیم. دو ماه دیگر عید میشه و بچه های ما کارگران باید بروند تاناکوراها را بگردند و نیازهای دست دومشان را تهیه کنند! همه این دردها در دلمان مانده و با هزار تلاش ب فکر چاره ایم، اینهمه بیکاری و اعتیاد و فحشا و ترک تحصیل فرزندانمان و کلا با اینهمه بی حرمت شدن هویت انسانیمان درگیریم و بعد از سی سال تلویزیونی پیدا کرده ایم و حالا شما میخواهید این کانال را هم از ما بگیرید؟ ما این مقدسات و خرافات را نمیخواهیم و برای رهایی از این بربریت میجنگیم. بنظر من هر انسانی که چنین خدایان و شاهانی برای خودش ساخته باشد یا مشکل شخصیتی دارد و بخود اعتمادی ندارد و یا خود سرمایه داران هستند که از حکومت پادشاهی نان میبرند. ما توی قرن زندگی میکنیم که مثل جانور با ما برخورد میشود! پیام من برای تمام فعالین کارگری این است که باید یک جنبش عظیم دهها میلیونی از کارگران و انسانهایی که اینهمه تولید میکنیم و اینهمه زحمت میکشیم و اینهمه هم درمانده ایم تشکیل دهیم و دور هم جمع شویم، باید برای روز کارگر جهانی کارگر اقدام کنیم و اعتصابات سراسری راه بیاندازیم و این جمهوری اسلامی را که خود این طرفداران پادشاهی هم در سرکار آوردنش نقش داشتند بزیر بکشیم.

مردی از ایران

جمهوری اسلامی مسبب اعتیاد میلیونی است برنامه ای از رضا مرادی

بله منم معتقدم که مسبب این اعتیاد جمهوری اسلامی است. از رژیم شاه تا حال نزدیک سی سال میگذرد. از روزی که آزادی مردم کمتر از رژیم قبلی شد و مشروبات الکلی مخفی تر شد اعتیاد هم بیشتر شد. من خود معتادم و تابحال دوبار بازداشتم کردند و به بازپرسی بردند اما وضع آنجا اقتضاح است و چیزهایی هم که بلد نبودم آنجا یاد گرفتم. علت اینکه معتاد شدم بیکاری طولانی شد و اذیتم کرد و افتادم به این بساط.

یک معتاد از ایران

وقتی توی مملکت مدیریت درستی نباشه و شرایط کار و حقوق درست حسابی نباشه، وقتی توی مملکت همین مسئولین بهزیستی سیگار و مواد را میاورند و میفروشند دیگه چه انتظاری از مردم و از جوانان داشته باشیم که هیچ دلخوشی ندارند آنوقت شرایط است که وادارمان میکند که به این کار روی بیاریم. مدیران و مسئولین بالایی خوند ولی پانی ها نمیدانند که با شخصیت معتاد چه برخوردی کنند. اگر به ماموران حقوق خوبی میدادند اینها هم با ما اینجور رفتار نمیکردند. به معتاد باید مثل یک بیمار نگاه کنند نه یک مجرم. اینها تمام غرور و منیت و اعتماد بنفس ما را گرفته اند. وقتی آزادی و امنیت کاری را از مملکت میگیرند دیگر چیزی نمیماند که آدم دل خوش کند. بمن یک مقدار وام داده بودند که همه را صرف اینکار کردم، من الان باید خودم را خوب بشناسم و قوی کنم و کاری ندارم که رژیم چکار میکند. باید روی پای خودم بایستم وگرنه رژیم برای من کاری نمیکند. این رژیم را باید کسانی دیگری بیایند درستش کنند نه آدمهایی مثل من که به کمک نیاز داریم.

یک معتاد از ایران

من یک دوستی دارم که معتاد بود و بردیم که بخوابونیم و کمکش

از صفحه ۸ **صدای مردم در کانال جدید**

کنیم ولی میگفت همین ماموران براحتهی مواد میاورند و در اختیارمون میگذاشتند لذا من صحبت این دوست قبلی را قبول ندارم که میگفت مدیران بالایی مشکل ندارند بلکه ریشه تمام این بدبختیها از همین مدیران بالاست. دوست يك معتاد

در همین شهر تهران راحت ترین کار تهیه مواد مخدر است که از ۲۰ دقیقه هم کمتر وقت میخواد. یعنی برای خرید نان باید کلی توی صف بیایستیم ولی برای مواد اینجور نیست و علت اصلی این راحتی هم همین رژیم است که هم وارد میکند و هم توزیع میکند. این چه جوریه که برای ورود به کشورهای عربی آنقدر میگردند که یکدانه قرص را هم از جیبات درمیاورند و برای موادی که داشته باشی بیشترین زندانها را میبرند اما اینها زمانی که يك فروشنده را میگیرند کمی بعد آزادش

از صفحه ۱ **آیا مردم فلسطین ...**

دارند که فشار سنگینی بر تمام بازیکنان کنونی صحنه سیاسی فلسطین و اسرائیل وارد کنند. اما صلح يك امر غیر سیاسی نیست. کسی نمیتواند طرفدار صلح در فلسطین باشد و علنا با اسلام سیاسی به مخالفت بر نخیزد. کسی نمیتواند مخالف جنگ و کشتار باشد اما علنا و صراحتا و بطور رادیکال با دولت نژادی و مذهبی در اسرائیل به مخالفت بر نخیزد. تا آنجا که به مردم صلح دوست اسرائیل و فلسطین مربوط میشود مشکل تا کنون اساسا این بوده است که صلح طلبان بیشتر از هرچیز به سازمانهای خیریه شباقت دارند. خودرا به طور رادیکال به سیاست نمیزنند. خواهان صلحد و خط و استراتژی ای برای شکست یا عقب راندن اسلام سیاسی از این سو و سیاست فاشیستی و نژادی دولت اسرائیل ندارند. مردم صلح طلب که هرروز بر شمار آنها افزوده میشود به سازمانهای سیاسی رادیکال و حرکت رادیکال و سیاسی برای شکست و عقب راندن سیاستهای جنگ طلبانه و ارتجاعی در دوسوی این کشاکش نیاز دارند. چنین سازمانهایی فقط میتوانند سازمانهایی چپ و سوسیالیست باشند. پایان جنگ و کشتار و ایجاد فضایی صلح آمیز در خاورمیانه

شده اند نگاه کنند.
زنی از ایران

سلام آقای مرادی. فقط زنگ زدم بگم که مرسی از برنامه های خوبتان و امید ما شده اید.
مردی از ایران

سلام به آقای مرادی و بینندگان شما. من خودم دهها مامور و هوادار جمهوری اسلامی را در سال ۶۳-۶۴ در شیراز دیده ام که فعالان سیاسی را دستگیر میکردند و سعی میکردند که معتادشان کنند.
مردی از شیراز

من شاهد این قضیه هستم که خود رژیم عواملی دارند که مواد را میفروشند و خودشان هم دستگیر میکنند و دوباره کمی بعد فروشندگان را آزاد میکنند. من رفیقی داشتم که میفروخت و از دستگیرش کردند و آزادش کردند و از آنطرف دوباره همان تریاک را بخودش فروختند! از داداش خود همین دوستم

ایران و به زیر کشیدن حکومت اسلامی با انقلاب مردم، میتواند کمر اسلام سیاسی و جریانان تروریست اسلامی در خاورمیانه را خرد کند. میتواند اسلام سیاسی را بطور قطع در فلسطین و کل خاورمیانه حاشیه ای کند و نیروهای رادیکال و انسان دوست و سوسیالیست در دو سوی این کشاکش را به جلوی صحنه بیاورد. در این صورت برای نیروهای جنگ طلب و نژاد پرست و کل نیروهای دست راستی در اسرائیل و حامیان آنها امکان چندانی برای تداوم جنگ در خاورمیانه و فلسطین باقی نخواهد ماند. روشن است که دولت اسرائیل مقصر و بانی اصلی جنگ در فلسطین است. این مردم فلسطین اند که از ابتدایی ترین شرایط اجتماعی و سیاسی و اقتصادی برای زندگی در دنیای کنونی محروم شده اند. با کنار زدن اسلام سیاسی اما فاشیسم ضد فلسطینیان در اسرائیل نیز بطور جدی خلع سلاح خواهد شد. جنبش صلح طلبی پیشروی ای آنچنان جدی خواهد کرد و آنچنان تقویت خواهد شد که هیچ کشور و دولتی امکان تداوم فشار و حمله به مردم فلسطینی را نخواهد داشت.

و در آخر باید تاکید کنیم که هر راه حلی برای فلسطین باید تشکیل دولت مستقل فلسطینی را بدون قید و شرط و محدودیت در بر داشته

۷۵ الی ۱۰۰ کیلو گرفتند و یکهفته تو زندان هست و یکهفته بیرون و همینجور هم پخش میکنند و هم زندان میکشند! وگرنه اینها نمیتوانستند اینهمه جوان را کراکی و معتاد کنند.
دوست يك فروشنده مواد

من يك قربانی اعتیاد هستم و در خانواده ما چند تا مصرف کننده داریم و در محله ما حداقل ۲۰ خانه میشناسیم که خیلی راحت مواد میفروشند و در خانه هایشان باز است و مردم میروند و میخرند و کسی هم به آنها کاری ندارد، حتی بعضا خود ماموران میایستند جلوی خانه و خود من اعتراض کرده ام که چرا با اینها کاری ندارید اما هیچکدام توجهی نکرده اند! درواقع مامور آنجا میایسته و یا موادشان را میگیره و یا خودشان را و بعد از گرفتن مقداری پول مثلا يك میلیون تومان ولشان میکنه و به این شیوه از این اوضاع نان میخورند! اینجور که ما فهمیدیم اینها مثل شریک

باشد. مردم فلسطین که بیش از ۴ میلیون نفر را شامل میشوند حق دارند در مورد سرنوشت خویش تصمیم بگیرند. دولت فلسطینی باید از تمام حقوق تمام دولتهای دیگر برخوردار باشد و بتواند در مجامع بین المللی همچون سایر دولتهای نمایندگی شود. بعلاوه باید به سرنوشت چند میلیون آواره فلسطینی در کشورهای مختلف اشاره کرد و تاکید نمود که این مردم نیز باید حقوق انسانی شان تضمین شود و حق ماندن در کشورهای کنونی یا سکونت در فلسطین یا هرجای دیگری به آنها داده شود. اجازه دهید در این قسمت بخش پایانی قطعنامه ای از حزب کمونیست کارگری ایران را که در سال ۲۰۰۶ به تصویب رسیده بازگو کنیم: "۵- در مقابل دورنمائی ارتجاعی جنگ قدرت قطبهای تروریستی در خاورمیانه، حزب کمونیست کارگری راه حل يك خاورمیانه مدرن و سکولار و آزاد و برابر را در چشم انداز قرار میدهد و برای تحقق آن مبارزه میکند. يك شرط لازم و فوری تحقق این چشم انداز، تشکیلات دولت مستقل و متساوی الحقوق فلسطینی است. امروز برای تحقق این امر باید آنرا را از زیر آوار جدال قدرت قطبهای تروریستی بیرون کشید، برجسته کرد و بعنوان کلید حل واقعی بحران خاورمیانه در مرکز توجه افکار عمومی و نیروهای چپ و مترقی دنیا قرار داد. باید در برابر

میمانند و اینها واقعا قاتل این ملت و جوانان ما هستند، ما جوانان زیادی دیدیم که در اثر مواد مرده اند. مراقبتهای این رژیم سطحی است و در حرف مبارزه با مواد میکنند. خانواده ما از نظر مادی سطح متوسطی داشته و من بعد از رفتن به جلسات درمان که توسط انسان و مرد محترمی در محلمان هست بهتر شده ام و الان دارم خود سازی میکنم. من هفت سال است که ازدواج کرده ام و نمیتوانم طلاق بگیرم چونکه وضعیت خانواده من اینجور نیست که بتواند از من نگهداری کند و مخارج هم بسیار بالاست و من الان دارم آرامشم را میبرم بالا که بتوانم مصرفم را تحمل کنم. من قبلا يك زن روانی بودم و پرخاشگر بودم و کنترل خودم را نداشتم و بیماری شوره هم به من منتقل شد و من پر از نقص شدم پر از کینه و نفرت و عصبیت شدم و آگاهی خوبی نداشتم که اینها چطور بمن منتقل شده بود.
زنی از ایران *

سیاستهای میلیتاریستی آمریکا و اسرائیل و متحدینشان ایستاد و این دولتها را برای برسیت شناسی دولت مستقل فلسطینی تحت فشار قرار داد. باید بر این خواست پای فشرده که دولت اسرائیل فوراً و بدون قید و شرط سرزمینهای اشغالی را ترک کند و دولت مستقل فلسطینی را برسیت بشناسد. باید راست افراطی در اسرائیل و حماس و حزب الله را از فلسطین و جنبش مردم فلسطین به عقب راند و منزوی و حاشیه ای کرد. باید ضد آمریکائی گری و ضد اسرائیلی گری ارتجاعی حزب الله و حماس و جنبش اسلام سیاسی را افشا کرد و در برابر آن نقد چپ و رادیکال نظم نوین جهانی و تروریسم دولتی آمریکا و اسرائیل را قرار داد.

برای پیشبرد این وظایف، نیروهای چپ و سکولار و آزادیخواه، صف بشریت متمدن، باید در برابر دو قطب تروریستی در خاورمیانه و در سراسر جهان بسیج شود و بمیدان بیاید. امروز هم حل مساله فلسطین و هم برقراری يك صلح پایدار در خاورمیانه در گرو قدرت گیری و دخالتگری این نیروها، نیروهای جبهه سوم در برابر دو قطب تروریستی، در عرصه خاورمیانه و در سطح جهانی است. " (قطعنامه در مورد جدال قدرت میان قطبهای تروریستی در خاورمیانه و مساله فلسطین، سپتامبر ۲۰۰۶) *

کشتار مردم غزه توسط دولت اسرائیل محکوم است!

جنایتکارانه میکوشد موفقیت خود را در انتخابات بعدی تقویت کند. حماس نیز با ادامه تاکتیک های تروریستی و جنایتکارانه اش میکوشد تا در این میان نقش بازدارنده خود را یادآوری کند و امتیازی بدست آورد. قربانی این معادله خون و جنایت مردم بیگناهی هستند که زیر سلطه دولتها و جریانات آدمکش و تروریست از هردو سو قرار دارند.

حزب کمونیست کارگری دوشادوش همه مردم آزادیخواه جهان، جنایت دولت اسرائیل و کشتار مردم بیگناه فلسطین و همچنین محاصره و به گروگان گرفتن زندگی مردم ساکن نوار غزه توسط دولت اسرائیل را شدیداً محکوم میکند. این حملات باید فوراً متوقف شود و محاصره باید فوراً خاتمه یابد. ما باردیگر اعلام میکنیم که خواهان پایان دادن به سیاست های ضد بشری دولت اسرائیل و همچنین کوتاه شدن دست جریانات اسلامی و مرتجع از زندگی مردم فلسطین و به رسمیت شناختن دولت مستقل و متساوی الحقوق فلسطین هستیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ دسامبر ۲۰۰۸، ۸ دیماه ۱۳۸۷

صبح دیروز شنبه و امروز یکشنبه دولت اسرائیل دست به حملات هوایی گسترده و کم سابقه ای علیه مراکز حماس در شهر غزه و اردوگاه های فلسطینی زد و جان و زندگی بسیاری از مردم فلسطین را نابود کرد. در حملات هوایی دیروز شنبه نیروی هوایی اسرائیل به بیش از پنجاه نقطه در نوار غزه حمله کرده و صدها نفر کشته و زخمی شده اند، حملات امروز اسرائیل نیز صدها نفر دیگر را قربانی کرده است. این صحنه ای دیگر از قتل عام مردم فلسطین و ویژه ساکنین نوار غزه است که در منگنه تروریسم دولتی اسرائیل و متحدین غربی آن از یکسو و حماس و تروریسم اسلامی از سوی دیگر، قرار دارند.

بعد از قدرت گیری حماس در نوار غزه دولت اسرائیل دست به محاصره این منطقه زد که در سراسر جهان بعنوان "جنایت علیه بشریت" محکوم شد. اکنون بدنبال امتناع حماس در ادامه آتش بس ششماهه ای که برقرار بود و به بهانه پاسخ به حملات موشکی اخیر حماس به شهرهای اسرائیل، ارتش اسرائیل با چنین حمله سنگین و وحشیانه ای مردم محروم و داغدار نوار غزه را درهم می کوبد. دولت حاکم اسرائیل با این قدرتنمایی

طلوع خورشید را از زاگرس به نظاره می نشیند، فقط قلب یاغی و بیقرارم در سینه کودکی بتپد که یاغی تر از من آرزوهای کودکیش را شب ها با ماه و ستاره در میان بگذارد و آنها را چون شاهی بگیرد تا در بزرگسالی به رویاهای کودکی اش خیانت نکند، قلبم در سینه کسی بتپد که بیقرارم در سینه کسی باشد که شب سر گرسنه بر بالین نهاده اند و یاد "حامد" دانش آموز شانزده ساله شهر مرا در قلبم زنده نگهدارد که نوشت: کوچکترین آرزویم هم در این زندگی برآورده نمیشود" و خود را حلق آویز کرد.

بگذارید قلبم در سینه کسی بتپد مهم نیست با چه زبانی صحبت کند یا رنگ پوستش چه باشد فقط کودک کارگری باشد تا زبری دستان پینه بسته پدرش، شراره ی طفیانی دوباره در برابر نابرابریها را در قلبم زنده نگهدارد.

قلبم در سینه کودکی بتپد تا فردایی نه چندان دور معلم روستایی کوچک شود و هر روز صبح بچه ها با لبخندی زیبا به پیشوازش بیایند و او را شریک همه ی شادی ها و بازیهای خود بنمایند شاید آن زمان کودکان طعم فقر و گرسنگی را ندانند و در دنیای آنها واژه های "زندان، شکنجه، ستم و نابرابری" معنایی نداشته باشد بگذارید قلبم در گوشه ای از این جهان پهناورتنان بتپد فقط مواظبش باشید قلب انسانیت که ناگفته های بسیاری از مردم و سرزمینش را به همراه دارد از مردمی که تاریخشان سراسر رنج و اندوه و درد بوده است. بگذارید قلبم در سینه ی کودکی بتپد تا صبحگاهی از گلوبی با زبان مادرم فریاد برارم:

"من ده مه وی بسمه باییه خوشه ویستی مروف به رم بوگشت سوچی ته م دنیاییه"
معنی شعر: می خواهم نسیمی شوم و پیام عشق به انسانها" را به همه جای این زمین پهناور ببرم.

فرزاد کمانگر
بند بیماران عفونی،
زندان رجایی شهر کرج
مورخ ۸۷/۱۰/۸
تاریخ نگارش: ۸۷/۱۰/۲
بند امنیتی ۲۰۹ اوین

نامه فرزاد کمانگر را ترجمه و وسیعاً در دنیا پخش کنید!

ماهاست که در زندانم، زندانی که قرار بود اراده ام را، عشقم را و انسان بودنم را درهم بشکند. زندانی که باید آرام و راضی میکرد چون "بره ای سر بره"، ماهاست در بندی زندانی هستم با دیوارهایی به بلندی تاریخ. دیوارهایی که قرار بود فاصله ای باشد بین من و مردمم که دوستانم دارم، بین من و کودکان سرزمینم فاصله ای باشد تا ابدیت، اما من هر روز از دریچه سلولم به دور دستها میرفتم و خود را در میان آنها و مثل آنها احساس می کردم و آنها نیز دردهای خود را در من زندانی میدیدند و زندان بین ما پیوندی عمیق تر از گذشته ایجاد نمود.

قرار بود تاریکی زندان معنای آفتاب و نور را از من بگیرد، اما در زندان من روئیدن بنفشه را در تاریکی و سکوت به نظاره نشستم. قرار بود زندان مفهوم زمان و ارزش آن را در ذهنم به فراموشی بسپرد، اما من با لحظه ها در بیرون از زندان زندگی کرده ام و خود را دوباره به دنیا آورده ام برای انتخاب راهی نو. و من نیز مانند زندانیان پیش از خود تحقیرها، توهینها و آزارها را ذره ذره، با همه وجود به جان خریدم تا شاید آخرین نفر باشم از نسل رنج کشیدگانی که تاریکی زندان را به شوق دیدار سحر در دلشان زنده نگه داشته بودند.

اما روزی "محاریم" خواندند، می پنداشتند به جنگ "خدا"یشان رفته ام و طناب عدالتشان را بافتند تا سحرگاهی به زندگیم خاتمه دهند و از آن روز ناخواسته در انتظار اجرای حکم میباشم. اما امروز که قرار است زندگی را از من بگیرند با "عشق به هموعانم" تصمیم گرفته ام اعضای بدنم را به بیمارانی که مرگ من میتوانند به آنها زندگی ببخشند هدیه کنم و قلبم را با همه ی "عشق و مهری" که در آن است به کودکی هدیه نمایم. فرقی نمیکند که کجا باشد بر ساحل کارون یا دامنه سبلان یا در حاشیه ی کویر شرق و یا کودکی که

تاریخ این نامه چهارشنبه ۲ دی ماه ۱۳۸۷ است. با این نامه، یکبار دیگر، وسعت و عمق جنبشی انسانی و عدالتخواهانه در ایران برای تحقق حقوق انسانی آشکارتر میشود. فرزاد کمانگر در آستانه اعدام است و با صلابت ایستاده است و از انسانیت بدون توجه به رنگ پوست و نژاد و جنسیت و بدون توجه به مرز و مرزهای جدایی، صمیمانه دفاع میکند. او قلبش را به کودکی تقدیم میکند که مهم نیست رنگ پوستش چیست، مهم اینست که کوتاه نمی آید و سرتمکین به ظلم و ستم فرو نمی آورد و از حقش دفاع میکند! این نامه بیانگر جنبش عمیق دفاع از انسانیت در ایران است. زندانی در آستانه اعدام با چنین صلابتی از حقوق انسانی، از تقدیم اعضا بدنش به دیگران و از ادامه زندگی حرف میزند. این نامه را بعنوان سند انساندوستی فرزاد و فرزادها، سند مبارزه علیه اعدام و علیه قتل عمد دولتی در دنیا وسیعاً پخش کنید. به همگان فراخوان میدهم که به یاری فرزاد شتافته و برای نجات جان او بهر طریق ممکن اقدام کنند. به فرزاد کمانگر در سلول مرگ حکومت اسلامی درود میفرستیم و یکبار دیگر اعلام میکنیم که برای نجات او از هیچ اقدامی فروگذار نخواهیم کرد.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۳۱ دسامبر ۲۰۰۸
تلفن تماس مینا احدی:
۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳
www.adpi.net

نامه ای از فرزاد کمانگر آقای اژه ای، بگذار قلبم بتپد



سوسیالیسم پیا خیز! برای رفع تبعیض

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلاهی بدل میشود!